



شورای عالی انقلاب فرهنگی

هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره
(ویژه علوم انسانی و معارف دینی)

کمیته دستگاہی کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره

طرح نامه ویژه کرسی های ترویجی

حوزه علمی بحث: مطالعات روایت شناسی و مسایل آن در ایران

عنوان: «متون عیاری – پهلوانی» و شبکه تخیل روایی: تأملی در ساخت روایت و ایده های پیشینی آن

ارائه دهنده: دکتر فواد مولودی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)

پست الکترونیک (Email): f_molowdi@yahoo.com

۲. سوابق آموزشی:

الف - مدارج علمی و تحصیلی

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	حوزه / دانشگاه	کشور
۱	کارشناسی	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه شهید بهشتی	ایران
۲	کارشناسی ارشد	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه شهید بهشتی	ایران
۳	دکترای تخصصی	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه شهید بهشتی	ایران

ب - اهم سوابق تدریس (مرتبط با موضوع کرسی):

ردیف	عنوان درس	مقطع	حوزه / دانشگاه
۱	نقد و نظریه ادبی	کارشناسی	دانشگاه علامه طباطبائی
۲	نظریه ادبی	کارشناسی ارشد	دانشگاه سوره
۳	مکاتب نقد ادبی	کارشناسی	دانشگاه علامه طباطبائی
۴	ادبیات معاصر	کارشناسی ارشد	دانشگاه سوره
۵	ادبیات جنگ ایران و جهان	کارشناسی ارشد	دانشگاه سوره
۶	جامعه شناسی ادبیات	کارشناسی ارشد	دانشگاه علامه طباطبائی
۷	فلسفه ادبیات	کارشناسی	دانشگاه علامه طباطبائی

-عنوان طرحنامه: «متون عیاری - پهلوانی» و شبکه تخیل روایی: تأملی در ساخت روایت و ایده‌های پیشینی آن

-چکیده در ۱۰۰ کلمه به همراه واژگان کلیدی:

دیدگاه نگارنده در باب «روایت»، «متن روایی» و «مطالعات روایت‌شناسانه» با بیشتر آن چیزی که در این دو دهه در ایران رواج یافته است تفاوت دارد؛ در غالب پژوهش‌های مربوط به «روایت‌شناسی» در ایران، متن یا متونی از زبان فارسی با الگوهای فرمالیستی و ساختارگرایانه روایت‌شناسی تطبیق داده شده است و هدف نهایی از کاربرست نظریه، نشان دادن این مورد بوده است که متن بررسی شده نیز با الگوی عام روایی که در آن نظریه‌ها طرح شده است مطابقت و همخوانی دارد. به باور نگارنده، تحلیل روایی هر متنی، در گام نخست، در گرو فهم و درک «ایده یا ایده‌های پیشینی» است که متن بر اساس آنها فرم یافته است اما خود آن ایده «غایب بزرگ» متن است. توجه به «ایده یا ایده‌های پیشینی» است که متن را به زمینه وصل می‌کند، شیوه «اتصال فرم به نظام آگاهی» را معلوم می‌دارد، سبب می‌شود ما بتوانیم از «مؤلف فردی» عبور کنیم و به «سوژه گفتمانی» برسیم، و شیوه «ظهور ایده در فرم» و «وحدت فرم و محتوا» را در نظر آوریم. به دیگر سخن، فقط با فهم ایده‌های پیشینی است که باب زیباشناسی و معرفت‌شناسی به روی روایت‌شناسی و مطالعات متون روایی گشوده می‌شود و روایت‌شناسی می‌تواند به غایت اصلی خود که همان «پیوند و یکی بودن فرم و محتوا» است نزدیک گردد. در فرایند چگونگی نسبت‌گیری ایده‌های پیشینی و فرم ادبی، «مسئله» یا مسایلی درست می‌شود که جنسی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی دارد و اندیشیدن به آنها در گرو تحلیل اختصاصات روایی اثر است؛ و دقیقاً در اینجا است که نسبت هر مؤلفه روایی با زمینه‌های فکری و معرفتی معلوم می‌شود. اما مذاقه در موارد مذکور، پیش و بیش از هر چیزی، در گرو فهم متن روایی در «شبکه تخیل روایی» است و اینکه یک متن خاص چگونه در شبکه‌ای بزرگ‌تر قرار گرفته است و وجوه اتصال آن متن با آن شبکه چگونه است. در اینجا کوشش شده است «متون عیاری - پهلوانی» منشور در شبکه بزرگ‌تر متون روایی حماسی و پهلوانی منظوم دیده شود و وجوهی از تأثیرپذیری و فراروی آنها از این متون مشخص گردد؛ برخی از ایده‌های پیشینی مستتر در آنها فهمیده شود و شیوه فرم‌یابی متون در نسبت با آنها در نظر گرفته شود؛ اتصال مبانی معرفتی و مسایل فرهنگی و اجتماعی با ساخت روایی و هم‌عرضی آنها با همدیگر در نظر باشد؛ و بر این مبناها سیر تطور و تکامل یا سیر تکرار و نزول آنها در بستری تاریخی به بحث گذاشته شود.

واژه‌های کلیدی: متون عیاری - پهلوانی، شبکه تخیل روایی، ایده‌های پیشینی، ساخت روایت، دیالکتیک واقعیت / آرمانشهر.

-شرح مختصر موضوع طرحنامه

درک و تحلیل ساخت روایی «متون عیاری - پهلوانی» زمانی ممکن است که چگونگی جای‌گیری آن در «شبکه تخیل روایی» پیش چشم داشته شود. این شبکه، از مجموعه‌ای از متون روایی حماسی و پهلوانی و غنایی تشکیل می‌شود و این متون نیز در داخل این شبکه قرار دارد. طبیعتاً الگوهای عام روایتگری در ذهن انسان ایرانی گذشته را باید در این شبکه جست‌وجو کرد و در اینجا است که می‌توانیم از «ساختار بنیادی روایت» سخن به میان آوریم. «متون عیاری - پهلوانی» با بسیاری از رشته‌های پیدا و پنهان به این شبکه وصل است و روایت آن را از هر لونی که بررسی کنیم این اتصال‌های متن به شبکه آشکار می‌گردد و خود متن نیز به مثابه یکی از بخش‌های شبکه در داخل آن قرار می‌گیرد؛ اما این سخن بدان معنا نیست که چون الگوهای عام در برخی جاها مشترک است پس هیچ یک از این متون، تفرد و یکگی ندارند؛ بلکه برعکس این است و زمانی که متن را در دل شبکه قرار می‌دهیم باید دیالکتیک متن/شبکه را پیش چشم داشته باشیم و بدانیم به همان اندازه که متن متأثر از الگوهای عام شبکه است، به همان اندازه نیز ویژگی‌های منحصر به فرد و تفرد دارد؛ و اتفاقاً مسئله اساسی در اینجا این است که متن در عین پیروی از الگوهای عام و نسبت داشتن با دیگر متون، چه چیزی دارد که آن را یکه و یگانه می‌کند.

-شرح اصطلاحات و مفاهیم ابداعی به کار رفته در موضوع

ایده‌های پیشینی: ایده‌هایی کلان که در تخیل روایی جمعی موجود هستند و متون روایی بر مبنای آنها شکل گرفته است اما خود در متن حضوری آشکار ندارند. ایده‌هایی که فرم متون را شکل می‌دهند و فرم، صورت انضمامی آنها است.

شبکه تخیل روایی: مجموعه‌ای از متون روایی که با رشته‌های پیدا و پنهان به هم وصل هستند و اختصاصات تخیل روایی جمعی از تعمق در رابطه میان آنها شکل می‌گیرد.

دیالکتیک متن/زمینه: چرخش مداوم میان متن و زمینه فرهنگی و اینکه چگونه زمینه به متن فرم می‌دهد و متن نیز، خود، در ساختن زمینه و امتداد تاریخی آن نقش دارد.

تفاوت ذاتی در شیوه محاکات روایت منشور و منظوم: توجه به خصلت بلاغی و ارجاعی نظم و نثر و اینکه جوهره شعری نوع خاصی از روایت را می‌سازد و خصلت ارجاعی نثر نیز به جانب بازنمایی تکثر اجتماعی میل پیدا می‌کند.

چرخش در روایت‌گری و پیدایش تیپ داستانی جدید: تمرکز بر این نکته که پیدایش تیپ عیار در روایت فارسی هم ناظر به چرخشی اجتماعی است هم شیوه روایت‌گری جدیدی را ایجاب می‌کند.

- گزارش فرایند تکوین، تطور و تکامل موضوع

در این فرایند کوشیده شده است در گام نخست «متون عیاری - پهلوانی» منشور در شبکه بزرگ‌تر متون روایی حماسی و پهلوانی منظوم دیده شود و وجوهی از تأثیرپذیری و فراروی آنها از این متون مشخص گردد؛ در مرحله دوم، برخی از ایده‌های پیشینی مستتر در آنها فهمیده شود و شیوه فرمیابی متون در نسبت با آنها در نظر گرفته شود؛ در مرحله سوم، اتصال مبانی معرفتی و مسایل فرهنگی و اجتماعی با ساخت روایی و هم‌عرضی آنها با همدیگر در نظر باشد؛ و در نهایت، بر این مبناها سیر تطور و تکامل یا سیر تکرار و نزول آنها در بستری تاریخی به بحث گذاشته شود.

- اشتراکات و افتراقات این موضوع با موضوعات رقیب و موجود

دیدگاه نگارنده در باب «روایت»، «متن روایی» و «مطالعات روایت‌شناسانه» با بیشتر آن چیزی که در این دو دهه در ایران رواج یافته است تفاوتی بنیادی دارد: در غالب پژوهش‌های مربوط به «روایت‌شناسی» در ایران، متن یا متونی از زبان فارسی با الگوهای فرمالیستی و ساختارگرایانه روایت‌شناسی تطبیق داده شده است و هدف نهایی از کاربرست نظریه، نشان دادن این مورد بوده است که متن بررسی شده نیز با الگوی عام روایی که در آن نظریه‌ها طرح شده است مطابقت و همخوانی دارد؛ و در عمده موارد، نظریه به متن تحمیل شده و نتیجه این بوده است که گونه‌ای همخوانی یا نزدیکی یا مشابهت میان متن و نظریه هست. این نظریه‌ها نیز بیشتر محدود به ولادیمیر پراپ، تزوتان تودورف، نورترپ فرای، کلود برمون، آلژیر گرماس، ژرار ژنت و کسانی بوده است که از سنت فرمالیستی و ساختارگرایی روسی و فرانسوی برآمده‌اند. این مطالعات همواره مفید بوده و هست؛ و حداقل فایده آنها به ارمغان آوردن نظم فکری و پژوهشی برای ما ایرانیان در مطالعات ادبیات قدیم و جدید فارسی، و پیوند دادن متون با نظریه روایت بوده است. اما اکنون آن رویکرد به روایت‌شناسی و آن شیوه پژوهش را به دلایلی چند، تقلیل‌گرایانه و نابسند می‌نماید و معتقدیم باید از لونی دیگر به پژوهش روایت‌شناسانه نگریست که در اینجا به اختصار بیان می‌گردد:

- هدف نهایی تحمیل نظریه بر متن و مطابقت آنها این است که نشان دهد الگوهای عام ذهنی که روایت‌شناسان برای ساخته شدن متون روایی یافته‌اند صادق است و متون روایی فارسی نیز صورت انضمامی این الگوهای عام و جهانی است؛ اما این رویکرد، هم متن را به الگو تقلیل می‌دهد و تفرد و یکه بودن هر متن را نادیده می‌گیرد؛ هم سبب می‌شود متن از زمینه کنده شود و به مثابه محصولی مکانیکی نگریسته شود و تنها تفاوت آن با دیگر متون، در شیوه پردازش عناصر و چگونگی به کارگیری مؤلفه‌های روایی و روساختی باشد. به دیگر سخن، این رویکرد به معنای تقلیل متن به همسانی با دیگر متون در زیرساخت، و تمایز ناچیز با آنها در روساخت است (زیرساخت آن، پیروی از الگوی عام روایی است؛ اما در شیوه اجرای این

الگو ممکن است تمایزی روساختی حاصل کند؛ و نمی‌تواند از روایت به «مثابه طراحی عناصر و مؤلفه‌های روایی در پوسته متن» فراتر برود و چیزی را تحلیل کند.

– به باور نگارنده، تحلیل روایی هر متنی، در گام نخست، در گرو فهم و درک «ایده یا ایده‌های پیشینی» است که متن بر اساس آنها فرم یافته است اما خود آن ایده «غایب بزرگ» متن است. به دیگر سخن، پیش و بیش از آنکه بحث بر سر این باشد که «این متن روایی این گونه است» بر سر این است که «این متن روایی چرا این گونه است» و دقیقاً در اینجا است که روایت‌شناسی – در معنای معمول و مصطلح خود در ایران – از کار بازمی‌ماند و پاسخی برای ما ندارد. برای انضمامی کردن بحث و به زبان ساده، مثلاً پرسش‌های اساسی در باب «متون عیاری – پهلوانی» این است که «چرا این متون منشور هستند نه منظوم؟» و «چرا این متون این گونه فرم یافته‌اند و چه ایده‌های پیشینی در ذهن سازندگان آنها بوده است که چنین فرم روایی‌ایی برای آنها ایجاد شده است؟»؛ در حالی که پرسش اصلی و نهایت کار در مطابقت نظریه و متن این است که «فرم روایی این متن چه ویژگی‌هایی دارد و با الگوی عام در نظریه پیوند خورده است یا نه؟».

– توجه به «ایده یا ایده‌های پیشینی» است که متن را به زمینه وصل می‌کند، شیوه «اتصال فرم به نظام آگاهی» را معلوم می‌دارد، سبب می‌شود ما بتوانیم از «مؤلف فردی» عبور کنیم و به «سوژه گفتمانی» برسیم، و شیوه «ظهور ایده در فرم» و «وحدت فرم و محتوا» را در نظر آوریم. به دیگر سخن، فقط با فهم ایده‌های پیشینی است که باب زیباشناسی و معرفت‌شناسی به روی روایت‌شناسی و مطالعات متون روایی گشوده می‌شود و روایت‌شناسی می‌تواند به غایت اصلی خود که همان «پیوند و یکی بودن فرم و محتوا» است نزدیک گردد.

– در فرایند چگونگی نسبت‌گیری ایده‌های پیشینی و فرم ادبی، «مسئله» یا مسایلی درست می‌شود که جنسی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی دارد و اندیشیدن به آنها در گرو تحلیل اختصاصات روایی اثر است؛ و دقیقاً در اینجا است که نسبت هر مؤلفه روایی با زمینه‌های فکری و معرفتی معلوم می‌شود. به دیگر سخن، از این منظر اگر بنگریم درمی‌یابیم که انواع بحث‌های روایت‌شناسانه که در نگاه نخست به نظر می‌رسد فقط جنبه توصیفی دارد و ویژگی صرفاً ظاهری متن روایی را نشان می‌دهد، خصلتی فرهنگی یافته است و چگونگی کاربست آن در متن، به ما نشان می‌دهد که لایه‌بندی مبانی آشکار و پنهان فکری نگارندگان چگونه بوده است. در اینجا، دیگر بحث از شخصیت، زمان، مکان، پیرنگ، راوی، بسامد، شتاب، دوگانه‌سازی و غیرهم، فقط یک بحث تقلیلی یا توصیفی نیست و هر یک از اینها شیوه‌های پیوند با ایده‌های پیشینی را آشکار می‌کند. برای نمونه، در این روش، اینکه نشان دهیم «در فلان رخداد شتاب روایی یا درنگ روایی داریم» چندان مهم نیست بلکه مهم آن است که بتوانیم تحلیل کنیم که مثلاً «درجه کندی یا تندی سرعت روایت در آن رخداد، میزان اهمیت یا عدم اهمیت چه چیزی را نشان می‌دهد و این میزان سرعت، جنبه انضمامی کدام بخش از نظام آگاهی پیدا و پنهان نگارندگان است». به تعبیر هگل در فرایند گذار از «نظم تخیل به نثر تفکر» (همرمایستر، ۱۳۹۹: ۱۳۵). انبوهی از مسایل اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شود که کلیت و جزئیات روایت منشور، جنبه‌های انضمامی آن است و حتی در اینجا «سکوت‌های روایی» و «روایت‌ناشده‌های اثر» نیز مهم می‌شود.

– اما مذاقه در موارد مذکور، پیش و بیش از هر چیزی، در گرو فهم متن روایی در «شبکه تخیل روایی» است و اینکه یک متن خاص چگونه در شبکه‌ای بزرگ‌تر قرار گرفته است و وجوه اتصال آن متن با آن شبکه چگونه است. به دیگر

سخن، باید نخست دریابیم که فلان ویژگی روایی یک متن، آیا در متون قبل از آن نیز بوده است یا نه؛ و اگر بوده است در متن مورد بررسی ما تکراری است یا اختصاصی ویژه دارد؛ و در نهایت، این ویژگی در ساخت کلی اثر چه جایی داشته است. با دقت در این رفت و بازگشت میان متن و شبکه است که جایگاه یک متن و میزان ارزش آن در سیری تاریخی معنا می‌یابد و فقط در این حالت است که توانسته‌ایم به روایت‌شناسی واقعی نزدیک شویم؛ برای نمونه، اگر مؤلفه‌ای همچون «دخالت مؤلف در متن و اختلال در صدای راوی» در نظریه ژنت را در «سمک عیار» به مثابه متنی منفرد و کنده شده از زمینه، بررسی کنیم و حتی بتوانیم تمام وجوه آن را نشان دهیم، تا زمانی که ندانیم در آن مقطع تاریخی، امکان تحقق این مورد بوده است یا نه، و آیا متنی همزمان یا پیش از آن وجود داشته است که این امکان را بالفعل کرده باشد، بحث ما نه تنها اشتباه است بلکه از اساس، موضوعیت ندارد.

– این نگاه و فهم شبکه‌ای، مفهوم «سنت» را پیش می‌کشد: از هر منظری که بنگریم و هر مبنایی که برای پژوهش داشته باشیم، تا زمانی که در داخل یک «سنت» نباشیم و آن را درک نکنیم، نمی‌توانیم در باب ارزش یا بی‌ارزشی، قوت یا ضعف، تازگی یا کهنگی، و بدیع تا تکراری بودن هیچ چیزی نظر دهیم. مطالعه یک متن زمانی معنادار است که بدانیم نسبت آن با شبکه بزرگ‌تر چگونه است و در پس و پیش آن چه رخ داده است. بنابراین، می‌توان گفت روایت‌شناسی متون روایی فارسی در دوران قدیم و جدید، تنها زمانی امکان دارد که پژوهشگر در سنت ادبی ایران قرار داشته و سیر تاریخی چیزها را درک کرده باشد. برای مثال، اگر محققى همچون استاد شفيعى کدکنى در باب امتیاز و درخشانی یک وجه شعر حافظ نظر می‌دهد قطعاً این نظر، نتیجه نسبت‌سنجی آن با متون پیش از حافظ و متون همزمان با او است و دریافته است که حافظ در اینجا آشنایی‌زدایی را به گونه‌ای تازه یا متفاوت انجام داده است و این نظر، برآمده از دانش زمینه‌ای وسیع است. بی‌گمان اگر کسی که در «سنت شعر فارسی» قرار نگرفته باشد و در همان باب نظری بدهد نظر او شایسته تأمل نیست و چه بسا چیزی را در شعر حافظ ممتاز و بدیع بداند که پیشینیان حافظ به کرات انجام داده باشند. بغرنجی این مسئله، آن گاه آشکارتر می‌شود که کسی محقق داستان و شعر معاصر فارسی باشد اما «سنت روایی» و «سنت شعری» را در گذشته ادبی ما نشناسد.

–سؤالات

۱- «متون عیاری – پهلوانی» در چه شبکه بزرگ‌تری از تخیل روایی ایران قدیم قرار دارد؟

۲. ساخت روایی این متون چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه فرم یافته‌اند؟

۳. ایده‌های پیشینی این فرمیابی کدام است؟

- فرضیات

- «متون عیاری - پهلوانی» در شبکه بزرگ تر تخیل روایی «متون حماسی» و «متون منظوم پهلوانی» قرار دارد.

- بارزترین وجه تفرد این متون در «شیوه محاکات» آنها است و چون روایتی منشور دارند که سودای بازنمایی کلیت و تمامیت جهان اجتماعی را دارد تمام مؤلفه های روایی آنها بر مبنای خصلت ارجاعی اثر به زمینه بیرونی طراحی و پرداخت شده است.

- برخی از مهم ترین ایده های پیشینی این متون «دیالکتیک واقعیت/آرمانشهر» «انگاره آخرالزمانی هماهنگ شدن جهان» «ورود عنصر عیار به روایتگری فارسی در مقام نماینده اندیشه و کار مردمی» و «واسازی زبان و فرم در باب جایگیری زنان در نظم نمادین» است.

- روش تحقیق

واقعیت اینکه روش تحقیق در پژوهش حاضر از وجوهی بسیار با برخی از روش های مرسوم پژوهش در علوم اجتماعی پیوند دارد اما به معنای اخص کلمه، نمی تواند در ذیل هیچ یک از آنان قرار گیرد. می توان گفت که روش حاضر ترکیبی از روش های «تاریخی، تحلیلی، انضمامی، متن پژوهانه، و سنتزپژوهی» است و بهتر است به اختصار این موارد توضیح داده شود:

- تاریخی: مسئله اساسی روش در اینجا تلاش برای روشن کردن بخش هایی از نظام آگاهی تاریخی است.

- تحلیلی: همواره نظام آگاهی در نسبت سنجی متن و زمینه های تاریخی تحلیل شده است و اشکال ساخت آن مورد توجه بوده است.

متن پژوهانه: تمام تحلیل نظام آگاهی تاریخی، در متن صورت انضمامی یافته است و متن روایی و ادبی را به مثابه اصلی ترین و عینی ترین صورت آگاهی پیش چشم داشته ایم.

سنتزپژوهی: هر چند که به آشکارگی به احصای پژوهش های روایت شناسانه متون روایی ایران، و نیز تحقیقات متن پژوهی (آنجا که متن را فقط متن ادبی دانسته اند و تحلیل آگاهی را در فرم ادبی نجسته اند) نپرداخته ایم اما همواره این دو جریان را به

مثابه دو جریان اصلی مطالعات روایی متون فارسی پیش چشم داشته‌ایم و روش در اینجا متمرکز بر سنتزی بوده است که فراتر از دو جریان مذکور حرکت کند.

- یافته های تحقیق

- تحدید و تعریف تازه «متون عیاری - پهلوانی» و نشان دادن وجوه افتراق و اشتراک آنها با متون حماسی و پهلوانی منظوم.
- تبیین ضرورت توجه به زیباشناسی و معرفت‌شناسی در انجام پژوهش روایت‌شناسانه.
- چرخش از نظریه‌زدگی و تحمیل نظریه به متن، به جانب تعمق در بنیان‌های روایت‌پردازی در ایران.
- نشان دادن اهمیت «ایده‌های پیشینی» در فرمیابی متون عیاری - پهلوانی.
- معلوم کردن پیوند شبکه تخیل روایی و متن، و ضرورت افتادن در «سنت» برای انجام پژوهش ادبی.

- دستاوردها (استفاده از این تحقیق در سازمانها و مراکز)

- این پژوهش می‌تواند در طراحی و بازنگری تمام دروس مربوط به گرایش «روایت‌شناسی» و نیز مباحث مربوط به آن در تدریس نظریه ادبی، مورد توجه قرار بگیرد. و ضرورت پژوهش روایت‌شناسانه بر بنیادهای زیباشناسانه و ضرورت احضار امر فرهنگی را در دو حوزه آموزش و پژوهش این زمینه نشان دهد.

۴. منابعی که نتیجه تحقیق در آنها ارائه شده است:

الف) مجلات

ردیف	عنوان مقاله	عنوان مجله	شماره مجله	سال چاپ
۱				

ب) کتاب

ردیف	عنوان کتاب	نوع (تألیف / ترجمه)	ناشر / محل نشر	سال انتشار
۱	«متون عیاری - پهلوانی» و شبکه تخیل روایی: تأملی در ساخت روایت و ایده‌های پیشینی آن	تألیف	طرح اتمام یافته و تحویل شده (تا قرن ششم) و در حال انجام فاز دوم آن تا دوره قاجار (خروجی دو طرح کتاب خواهد شد)	

ج) سمینار و همایش

ردیف	عنوان مقاله	سال انتشار
۱		

۵. ارجاعات به مقالات و کتب منتشره حاصل از این تحقیق (با ذکر مشخصات کتاب شناختی):

۶. نقدهای مدون این تحقیق (با ذکر مشخصات کتاب شناختی):

این طرح تازه اتمام یافته است و قرار است در مرحله داوری قرار گیرد و بار نخست در این کرسی درباره آن گفته می‌شود

۷. مدارک اقبال و پذیرش جامعه علمی به این تحقیق (در صورت وجود)

این طرح تازه اتمام یافته است و قرار است در مرحله داوری قرار گیرد و بار نخست در این کرسی درباره آن گفته می‌شود

۸. نکات دیگری که ذکر آن را لازم می‌دانید